



رابطه‌ی اغنیاء و فقرا؛ حوزه «قرض الحسنه» و «وقف»

میان رشته ای :: نشریه ره توشه :: بهار و تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۷۸ (ویژه ماه مبارک رمضان)

صفحات : از ۲۵۱ تا ۲۶۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1693923>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- تحلیل پیوند همیاری و توانمندی در بین زنان روستایی (مورد مطالعه: صندوق‌های قرض‌الحسنه خویشاوندی-همسایگی دهستان تنگ‌سیاب، کوه‌دشت)
- تحلیل نقش بانکداری اجتماعی در کاهش تضاد مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی (نمونه‌کاوی: بانک قرض‌الحسنه رسالت)

عناوین مشابه

- بررسی وقف و امکان توسعه نظام قرض‌الحسنه (موسسه تأمین مالی خرد) از طریق مال موقوفه
- مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض‌الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد
- رابطه اغنیاء با فقرا؛ حوزه عاطفه و معاشرت
- چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش
- صندوق‌های قرض‌الحسنه؛ ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور
- قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی
- بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه
- رابطه‌ی اغنیاء با فقرا؛ حوزه انفاق (شرایط انفاق ۱)
- بررسی عملکرد هشت ماهه اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری موضوع تبصره «۱۶» قانون بودجه سال ۱۴۰۱
- بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی

موضوع بیستم:

رابطه ی اغنیاء و فقرا؛ حوزه «قرض الحسنه» و «وقف»



یکی دیگر از راه کارهایی که دین اسلام به توان گران پیشنهاد می کند تا به کمک آن در مسیر خدمات رسانی به نیازمندان گام بردارند، سنت نیکوی قرض الحسنه است. قرض الحسنه، به معنای دادن مقداری از مال شخصی خود برای رفع نیاز مشروع افراد، و استرداد آن بدون اضافه، می باشد.

اهمیت قرض الحسنه:

۱- قرض دادن به خلق خدا، قرض دادن به خدا است.

قرآن کریم پیرامون قرض الحسنه تعبیری شگفت انگیز دارد، که در مورد مطلب دیگری در قرآن دیده نمی شود:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ

يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره/ ۲۴۵)
مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ
(حدید/ ۱۱)

در قرآن کریم در ۷ مورد، خداوند سخن از «وام دادن به خدا» مطرح نموده است. که می فرماید: «یقرض الله قرضاً حسناً»

با این که مالک حقیقی تمام هستی، خداوند است، با این حال از بنده‌ی خود طلب قرض و وام می کند، آن هم قرض با سود بسیار زیاد (اضعافاً مضاعفاً) و این از سویی نهایت لطف خداوند نسبت به بندگان را می رساند و از سویی دیگر اهمیت مسأله انفاق و قرض الحسنه را بیان می دارد.^۱

برای درک بهتر این نوع بیان، به مثال زیر توجه نمائید:

ممکن است شخص عادی از شما طلب وام و قرض کند و شما به او بی توجهی کنید، اما اگر یک شخصیت مهم که مسئولیت مهمی به عهده دارد درب خانه بیاید و طلب قرض کند، حتماً تلاش می کنید که به او بدهید.

اگر مسئول کشوری به شما رو بزند یا به وسیله تلفن و نامه، نیاز خود را با شما در میان بگذارد، باز تلاش مضاعف می کنید تا آن جا که مقدور است به او قرض بدهید.

حال اگر امام زمان علیه السلام به کسی پیغام بدهد که قرض بده، اگر طرف مقابل امام شناس باشد، حتی حاضر است اسباب خانه اش را بفروشد تا به امام زمانش لیبیک بگوید. اما در آیات شریفه، این خداوند است که با یک دنیا عاطفه می گوید: «به من وام بدهید» که خود حاکی از آن است که هر که به نیازمند وام دهد، در حقیقت با خدا

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۲۶.

معامله کرده است.

۲- آزمایش بندگان

آن چه گفته شد، بدان معنا نیست که خدا محتاج پول و سرمایه من و تو است که «الله خزائن السموات و الارض»، بلکه برای آن است تا ببیند مردانگی و حرف شنوی ما در چه حدی می باشد. آیا اگر نیازمندی شخصی را احساس کردیم به او خدمتی در حد توان می کنیم یا خود را به گوش کری و چشم کوری می زنیم؟
امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

... واستقرض منکم وله خزائن السموات والأرض وهو الغنی الحمید وإِنَّمَا أَرَادَ أَنْ یَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^۱
خداوند از شما درخواست قرض کرده، در حالی که گنج های آسمان و زمین از آن اوست و او بی نیاز می باشد، (این ها نه از جهت نیاز است) بلکه می خواهد شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارتر هستید.

۳- پاداشی بیشتر از صدقه

در آیات مربوط به قرض الحسنه می خوانیم که فَيُضَاعَفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً ...
واژه (اضعاف) به معنی دو یا چند برابر کردن چیزی است و با توجه به این که با کلمه (کثیر) تأکید شده و نیز استفاده از فعل (یضاعف) که تأکید بیشتری را نسبت به یضعف می رساند، از مجموع این جهات استفاده می شود که خداوند به وام دهنده پاداش بسیار فراوانی خواهد داد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

علاوه بر این در احادیث، پاداش قرض دادن بیش از صدقه دادن بیان شده است به طوری که پاداش صدقه ۱۰ برابر است و پاداش وام قرض الحسنه ۱۸ برابر می باشد: **النَّبِيُّ ﷺ: رَأَيْتَ لَيْلَةَ أُسْرَى بِي عَلِيَّ بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوباً: الصَّدَقَةُ بَعَشْرَ أَمْثَالِهَا وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ...**^۱

شبی که به آسمان برده شدم، دیدم که بر سر در بهشت نوشته است: (ثواب) صدقه، ده برابر آن است و وام، هیجده برابر.

راز برتری پاداش قرض الحسنه از پاداش صدقه آن است که صدقه ممکن است به انسان مستحق برسد و ممکن است بر اثر عدم شناخت، به غیر مستحق برسد اما قرض الحسنه به گونه ای است که معمولاً به دست نیازمند می رسد. علاوه بر این قرض دادن مانع بیکاری و مفت خواری نیز هست.

۴- آمرزش گناهان

یکی از پیامدهایی که برای قرض الحسنه ایده آل بیان گردیده که خود حکایت از اهمیت وام دادن می کند، پاک شدن گناهان وام دهنده می باشد: **النَّبِيُّ ﷺ: مَنْ أقرضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلْبَتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفَ قَنْطَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ...**^۲

هر کس به اندوهگین (که مالش را از دست داده) وام دهد و در پس گرفتن آن مراعات کند، عمل و زندگی اش را از نو شروع کرده است. (گناهانش پاک شده)

۵- توشه ای برای تنهائی آخرت

۱. کنز العمال، ح ۱۵۳۷۴.

۲. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۸.

علی علیه السلام در سفارش به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می فرماید:... واغتنم من استقرضک فی حال غناک، لیجعل قضاة لک فی یوم عسرتک^۱
اگر توانگر بودی و کسی از تو وامی خواست، وجود او را غنیمت بدان تا آن را در روز تنگ دستی به تو باز گرداند.

مجازات ترک کننده ی وام، در صورت تمکن

از سویی دیگر در روایات به آنان که توان و قدرت اعطاء وام به نیازمندان را دارند و در عین حال عمداً آنها را مأیوس می کنند، هشدارهای سختی داده شده است. از جمله روایتی است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده:

من احتاج إلیه أخوه المسلم فی قرض وهو یقدر علیه فلم یفعل حرم الله علیه ریح الجنة.^۲

کسی که برادر مسلمانش را (بر اثر ناداری) به او نیاز پیدا کند و او بتواند وام بدهد اما چنین نکند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام گرداند.

آری کسی که در عین توانایی، دست رد به سینه ی نیازمندان می زند، خداوند نیز دست رد بر سینه ی او زده و حتی از استشمام بوی بهشت منع می شود، چه رسد به ورود آن!

قرض نیکو چه قرضی است؟

قرض دادن ها و نوع پرداخت و دریافت آن متفاوت است؛ انواع قرض ها را نمی توان، قرض نیکو محسوب کرد و همه ی افرادی که وام می دهند را نمی توان نیکوکار

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۵.

دانست و پاداش های بی شماری که برای آن ذکر شده است، را به حساب وام دهنده واریز کرد.

برای نیکو نمودن قرض و نیکوکار شدن قرض دهنده باید موارد زیر را رعایت^۱:

- ۱- قرض الحسنه از مال حلال و پاک باشد.
- ۲- بی منت و بی ریا همراه با عشق و ایثار پرداخت شود.
- ۳- تسریع در پرداخت
- ۴- قرض دهنده بابت قدرت بر وام دادن، از خدا تشکر نماید.
- ۵- به دور از ریا باشد.

زیرا قرض های ربوی حرام و سبب رکود اقتصادی می گردد و اخلاق نیکوی اقتصادی همچون انفاق، ایثار، قرض الحسنه و... را به تدریج نابود می کند.
امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

... وَإِنَّمَا حَرَّمَ الرِّبَا لِيَتَعَارَضَ النَّاسُ...^۲

خداوند ربا را حرام کرده است تا مردمان به یکدیگر قرض بدهند.

البته اگر وام گیرنده، بدون قرار داد و شرط قبلی، مقداری زاید بر قرض به صاحب وام، بدهد، نه تنها ربا و حرام نیست، بلکه به دلیل آیه قرآن که می فرماید: **وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا...** (نساء/ ۸۶) مستحب نیز می باشد.

۶. مهلت دادن در پرداخت

۱. مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۹۰. تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۸۴.
۲. فقه القرآن، ثعلب راوندی، ج ۱، ص ۳۸۴.

اگر کسی با عذر موجه نتوانست بدهی خود را سر موعد پرداخت نماید، سزاوار است طلب کار به او مهلت دهد تا گشایشی برای او حاصل شود.

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ (بقره/ ۲۸۰)

الإمام الصادق عليه السلام إِيَّاكُمْ وَإِعْسَارَ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ، أَنْ تَعْسُرُوهُ بَشِيءٍ يَكُونُ لَكُمْ قَبْلَهُ وَهُوَ مَعْسِرٌ، فَإِنَّ أَبَانَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَعْسُرَ مُسْلِمًا، وَمَنْ أَنْظَرَ مَعْسِرًا أَظْلَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِظُلْمِهِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ^۱

بپرهیزید از این که یکی از برادران مسلمان خود را برای باز پس گرفتن مالی که در نزد او دارید در فشار قرار دهید، با این که او در حال تنگ دستی است، زیرا پدر ما رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: سزاوار نیست که مسلمانی، مسلمان دیگر را به سختی اندازد (زیر فشار گذارد) هر شخص، (تنگدستی) را مهلت دهد، خداوند متعال در روز قیامت - که سایه ای جز سایه‌ی رحمت او وجود ندارد وی را زیر سایه‌ی خویش قرار خواهد داد.

وقف، خدمت رسانی ماندگار

بسیاری از مشکلاتی که در زمینه های مختلف، گریبان گیر مردم جامعه است، تنها به وسیله ی دولت و دستگاه های اجرایی قابل حل نیست، بلکه مشارکت خود مردم به ویژه توانگران از مردم را می طلبد.

سنت حسنه وقف می تواند، یکی از راه کارهای ارتباط میان اغنیاء با فقراء جامعه باشد

۱. الحیة، ج ۶، ص ۱۵۹.

و با قابلیت‌هایی که دارد از طریق آن می‌توان بسیاری از مشکلات جامعه را شناسایی و در جهت حل یا کاهش آن، دارائی افراد نیکوکار را داوطلبانه به کار انداخت. متأسفانه این نهاد ارزشمند در عین کارایی بالا به ویژه کارکرد اقتصادی و فقر شکن بودن آن، به طوری که شایسته است شناخته نشده و لذا نقش و تأثیر آن در ابعاد گوناگون، در اذهان مردم مسلمان پنهان مانده است. وقف در لغت به معنای ممنوعیت و جاودانگی و در اصطلاح، حبس کردن عین ملک یا مالی است که منافع آن در امور عام المنفعه مصرف می‌شود.

جایگاه وقف در اسلام

مکتب نورانی اسلام، در آیات و روایات متعددی به حائز اهمیت بودن وقف پرداخته و می‌کوشد تا با ایجاد انگیزه خود، مسلمانان، داوطلب این امر خداپسندانه و انسان دوستانه شود.

الْمَالُ وَالْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا. (کهف / ۴۶)

دارائی و سرمایه انسان، به سان نهال و شکوفه‌ی کوچکی می‌ماند که اگر درست از آن استفاده نشود، پژمرده و از بین خواهد رفت. انسان عاقل، کاری می‌کند که این نهال، نه تنها ریشه بگیرد، بلکه شکوفه‌هایش تبدیل به میوه‌های جاودان همیشگی گردد تا در روز تنهایی و سرای واپسین نیز از آن بهره‌مند گردد، او باید نعمت زوال پذیر و فانی موجود در دستش را تبدیل به نعمت جاوید و باقی کند تا از آن نعمت در هر دو سرا بهره‌مند گردد؛ و این آرزو، با (وقف) نمودن بهترین‌ها شدنی است.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ... (آل عمران / ۹۲)

مرحوم طبری در ذیل آیه فوق می‌نویسد:

اصل (بر) سعه و گستردگی است و تفاوت آن با (این) است که (بر)، نفعی است که با قصد و اراده به دیگری برسد اما (خیر)، نفع رساندن به دیگری است هر چند این کار سهواً صورت بگیرد.

انفاق در آیه فوق، دارایی معنای عام است که شامل وقف هم می شود و داستان وقف ابوطلحه ی انصاری که باغش را وقف کرد و نیز زید بن حارثه که اسبش را تصدیق نمود و ...، دنبال نزول این آیه شریفه رخ داد.^۱

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى *

فَسَنِّيئِرُهُ لِّلْیَسْرِی * وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى *

فَسَنِّيئِرُهُ لِّلْعُسْرِی * وَ مَا یُعْنَى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (لیل / ۵ - ۱۱)

الإمام الباقر، عن آبائه (ع): أن رسول الله ﷺ مرّ برجل یغرس غرساً فی حائط له، فوقف علیه فقال: ألا أدلك علی غرس أثبت أصلاً وأسرع إیناعاً وأطيب ثمرأ وأبقى إنفاقاً؟ قال: بلی، فداک أبی وأمی یا رسول الله! فقال: إذا أصبحت وأمسیت فقل: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلاّ الله والله أكبر، فإنّ لك بذلك إن قلته بكلّ تسبیحة عشر شجرات فی الجنّة من أنواع الفاكهة، وهنّ من الباقيات الصالحات. قال: فقال الرجل: أشهدک یا رسول الله! أن حائطی هذا صدقة مقبوضة علی فقراء المسلمین من أهل الصدقة، فأنزل الله تبارک وتعالی: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى، فسَنِّيئِرُهُ لِّلْیَسْرِی.

رسول خدا ﷺ به مردی رسید که در باغش مشغول کاشت درخت بود، به او فرمود: تو را راهنمایی نکنم به درختی که ریشه اش و میوه اش، زودرس تر و خوشمزه تر و

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۲.

در انفاق پایاتر باشد؟ عرض کرد: چرا یا رسول الله، پدرم و مادرم قربانت. فرمود: در بامداد و پسین بگو: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر که اگر آن را بگوئی به هر تسبیحی، ده درخت از انواع میوه ها در بهشت خواهی داشت و آن ها باقیات و صالحان هستند. آن مرد عرض کرد: یا رسول الله، تو گواه باش این باغ من وقف فقراء مسلمانانی که در صفا اند؛ خدای تبارک و تعالی این آیات را نازل کرد: «و اما کسی که عطا کرد و تقوا داشت و (پاداش) نیکو تو را تصدیق کرد، به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت.

- الإمام الصادق عليه السلام: ستّ خصال ینتفع بها المؤمن بعد موته: ولد صالح یتستغفر له، و مصحف یقرأ منه، و قلب یحفره، و غرس یغرسه، و صدقة ماء یجریه، و سنّة حسنة یؤخذ بها بعده^۱

شش خصلت است که مؤمن بعد از مرگ از آن ها بهره مند می گردد: ۱- فرزند صالحی که برای او استغفار نماید ۲- قرآن که او از خود به یادگار گذاشته و پس از مرگش خوانده می شود ۳- چاه آبی که حفر کرده و در اختیار مردم گذاشته ۴- درختی که غرس کرده ۵- آبی که به جریان انداخته و وقف نموده ۶- روش نیکویی که پس از مرگش مردم به آن عمل می کنند.

- الإمام الصادق عليه السلام: لیس ینبغی للرجل بعد موته من الأجر إلا ثلاث خصال: صدقة أجرها فی حیاته فهی تجری بعد موته إلى یوم القیامة: صدقة موقوفة لا تورث، أو سنّة هدی سنّها فکان یعمل بها و عمل بها من بعده غیره،

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۵۷.

او ولد صالح یستغفر له.^۱

پس از مرگ، برای هیچ کس اجری و ثوابی نخواهد بود، مگر از سه چیز: ۱. صدقه ای (هزینه گذاری در راه خیر، چه فردی یا اجتماعی) که در زمان زنده بودن خود وقف کرده است و پس از فوتش نیز به آن عمل می شود؛ ۲. مالی که برای امور خیر وقف کند و از ارث خود خارج سازد، یا راه و رسم درست کاری و دین داری که (در دوران زندگی پشت سر نهاده است) پس از مرگش مردم به آن عمل می کنند (و خیر می بینند). ۳. یا فرزندی صالح که برایش دعا کند.

وقف در سیره ی معصومین

وقف در دوره بعد از ظهور اسلام با توجه به تعالیم نوع دوستانه ای که در این دین الهی آمده است با شکلی گسترده و فراگیر شیوع پیدا کرد. طبق مدارک تاریخی، نخستین وقف در اسلام توسط پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام شد. آن حضرت در سال سوم هجرت پس از جنگ احد، هفت بوستان و مزرعه آباد را به نام «بساتین السبعة» که به ایشان هدیه شده بود وقف نمودند و تولیت آن را پس از رحلت خود به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام واگذار کردند. این بوستان ها متعلق به یک یهودی به نام مخیریق بود که در جنگ احد به یاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده بود، مخیریق نامی از اغنیای احبار یهود بنی قینقاع که و به صف مجاهدان اسلام پیوست و وصیت کرد که اگر کشته شد دارایی اش را در اختیار حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار دهند تا به هر خیر که خدایش فرموده و خود خواهد هزینه کند.^۲

۱. همان، ص ۲۵۷.

۲. مستدرک سفینه، البحار الانوار، ج ۲، ص ۴۶۹.

به طور کلی در دوران بعد از اسلام نیز هر وقت امنیت و آرامش نسبی پدیدار می شد زمام داران و وزراء و مردم ثروتمند انسان دوست، دست به فعالیت های عام المنفعه می زدند و یا مبادرت به وقف املاک خود می نمودند.

این امر به حدی در زمان رسول خدا، پر رنگ بود که جابر انصاری، آن دوران را این گونه ترسیم می کند: لم یکن من الصحابه ذو مقدره الا وقف وقفاً هیچ توانگری از صحابه نبود، مگر اینکه چیزی وقف کرد.^۱

در نظر معصومین علیهم السلام اهمیت وقف تا آن جااست که حضرت علی علیه السلام در یکی از وقف نامه هایش هدف خود را از وقف چنین بیان می کند:

ابتغاء وجه الله لیوالجنى الله به الجنة ویصرفنى عن النار ویصرف النار عن وجهی لیوم تبيض وجهه وتسود وجهه.^۲

به منظور جلب رضایت الهی می باشد تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش، دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید: در روزی که صورت هایی سفیدند و صورت هایی سیاه.

در میان ائمه علیهم السلام حضرت علی علیه السلام بیشترین وقف را داشته است، علی علیه السلام در مدت ۲۵ سال امامت خود به کارهای کشاورزی و باغداری مشغول بودند و از طریق املاک و مزارع، زکات و صدقه واجب یا مستحب انفاق می کردند و در آخر عمرشان همه باغ ها و مزارع را وقف نمودند.

این باغ ها برای حجاج خانه خدا و برای فقرا خانه شد. از جمله موقوفات حضرت علی علیه السلام، صد چشمه آب بود که برای حاجیان خانه خدا وقف کرد. از آن حضرت

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۵۲.

روایت شده است که فرمودند: الصدقه و الحبس ذخیرتان فدعوها لیومهما،^۱ صدقه و حبس دو ذخیره هستند، پس آن‌ها را برای روزگار خودش حفظ کنید. حضرت فاطمه علیها السلام نیز بسیاری از باغ‌های خود را در مدینه وقف کرد.^۲ امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هم باغ‌های خود را که هم اکنون در محله ای در مدینه به نام باغ صبا و باغ مرجان معروف است وقف کرده اند.^۳ سایر ائمه علیهم السلام، املاک و اموال خود را در راه خدا و برای رفع نیاز فقرا وقف کرده اند. امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز موقوفاتی در مدینه داشتند.

کفن جیب ندارد

پیرمردی در حال طواف بود، از دور نگاهش کردم و او را نشناختم، اما همین که صورتش را برگرداند، دیدم دوست قدیمی خودم است، با او سلام علیک کردم، صورتش پر از اشک بود و صدایش می لرزید. می گفت: فلانی از آینده ام می ترسم، برای قبر و قیامت کاری نکردم. در آن سرزمین نجوای جوانی را شنیده همراه با اشک چشم و سوز دل، پدر و مادر خود را دعا می کرده است و برای آنان طلب مغفرت می نموده است. آه سردی کشید و گفت: من چه کنم؟ فرزند شایسته ای ندارم که پس از رفتنم، مرا در خانه قبر یکه و تنها رها نسازد. دلداری اش دادم فایده ای نداشت. می گفت: حتماً این ضرب المثل را شنیده ای که کفن جیب ندارد. اگر آن قدر بدوی و شب و روز شناسی که حساب بانکی ات میلیاردی شود، برج هایت دو قلو و چند قلو

۱. همان، ص ۴۵.

۲. کافی، ج ۷، ص ۴۷-۴۸، باب صدقات النبی و فاطمه و الأئمه.

۳. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن، ص ۶۵.

شوند، چند مدل اتومبیل داشته باشی، باغ و ویلا و... اما هیچکدام را نمی توانی با خودت به آن سرای آخرت و آن خانه ی ابد ببری!

شاید بچه های تو هم مثل فرزندان من، پس از مرگت شب اول و سوم و چهل و سال، مراسم باشکوه برایت بگیرند و با چند مدل غذا بخوانند آبرویی به تو داده و روح در قفست را شاد کنند! اما خودت هم خوب می دانی که این ها چندان فایده ای ندارد. بعد مراسم بر سر ارث و میراث دعوا بلند است و به گور و جنازه ی در آن می خندند! حرف هایش که تمام شد، به او گفتم، اما اول همه ی فرزندان این گونه نیستند، دوماً خداوند راه های گوناگونی گذاشته است که شما با استفاده از همین دنیای فانی و امکاناتش، خانه قبرت را خودت انتخاب کنی و چیدمان وسعت آن را خودت اختیار نمایی یکی از راه کارها سنت زیبای وقف است، لذتی که به راستی، باشد دیگران منفعتی برساند، وقف نمایی، در ثواب کارهایی که تا قیامت آن انجام می شود، بهره مند خواهی بود.

اگر اشکی پس از ۵۰۰ سال هم در آن مکان وقف شده برای عزیز فاطمه ۸، ریخته شود و تو در گورستان باشی و جسدت هم پوسیده باشد، بهره ای از آن به تو خواهد رسید و در ثواب آن ها شریک خواهی بود.

اگر با وقف نیکوی خودت، کاری کردی که طالبان علم و دانش، بهتر و راحت تر به تحصیل خود ادامه دهند، در ثواب یادگیری و پس از آن به کارگیری علمشان شریک خواهی بود.

آن پیرمردی که زمین مدرسه ی فیضیه ی قم را وقف کرد، آنکه آن را بنا کرد، آن که امکاناتش را تجهیز نمود، همه و همه در ثواب فراگیری دانش شیفتگان مکتب

امام صادق علیه السلام شریک اند. اگر در این مدرسه، بروجردی ها و مطهری ها و... جماعتی را ارشاد کردند، آن پیرمرد واقف در ثواب آن هدایت، شریک است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من سنّ سنّة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها إلى يوم القيامة من غير أن ينقص من أجورهم شيئاً^۱.

هر شخص سنت نیکویی را بنیان گذارد، پاداشش از آن او است و نیز از ثواب همه ی آنان که تا روز قیامت بدان سنت عمل می کنند، بهره می برد، بی آنکه از ثواب خود آنان چیزی کم شود.

چه وقف های با برکتی با خلوص نیت و قصد قربت انجام یافته و سال ها و سده ها است که همچون خورشیدی فروزان می درخشد و همچون کارخانه ای فعال خیر و برکتش به واقف و جامعه می رسد.

آثار وقف:

وقف می تواند دارای فایده هایی بس مهم و سازنده و آثار گوناگون و تکامل آفرین باشد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

- ۱- ایجاد اشتغال
- ۲- زدایش فقر
- ۳- نشر فرهنگ
- ۴- تعدیل ثروت (مبارزه با تکاثر و تفاخر و ...)

۱. تحف العقول، ص ۲۴۳.

- ۵- نبرد با حرص درونی و رسیدن به تعالی روحی
- ۶- صرفه جویی
- ۷- از میان بردن برخی از تنش ها و تشنج های اجتماعی
- ۸- تبدیل «چیزهای فانی» (مال، خانه و دیگر امکانات معیشت) به «پاداش های باقی» (باقیات الصالحات)
- ۹- نشر محبت و نشان دادن علاقه گذشتگان به آیندگان و اهمیت «انسانی - الهی» آن
- ۱۰- دعا و طلب آموزش آیندگان برای وقف کنندگان

تذکراتی مهم

همان طور که ذکر شد، یکی از راه های مهم خدمت رسانی و هزینه گذاری ماندگار، سنت «وقف» است؛ به ویژه که این سنت همواره باقی خواهد ماند و آیندگان نیز از آن بهره مند خواهند شد. پس کسانی که به هر اندازه توانایی دارند نباید از این خیر ماندگار و ثواب بی پایان غافل شوند.

وقف سنتی است که حتی نوجوان ۱۵ ساله نیز می تواند با اهداء وقف یک کتاب، نام خود را در این لیست واقفان ثبت کند؛ در این جا برای هر چه مطلوب تر شدن این عمل نیکو به چند تذکر توجه داده می شود:

۱- توجه در انتخاب نوع وقف

از آن جا که هدف وقف، بهره مندی و منفعت موقوفه است، توان گران و کسانی که می خواهند با وقف ملک، مال، باغ، دارائی، مدرسه و... مزین به عنوان زیبای (وقف) شوند، باید با درایت کامل و تحقیق بررسی نمایند که در اجتماع امروز، چه نوع وقفی،

قابلیت استفاده بیشتر سود و بازدهی نیکوتری برای جامعه به همراه خواهد داشت.

۲- توجه کافی به شرط های ضمن وقف

باید شرط هایی بیان شود که عملی مؤثر در جهت رشد انسانی، پیشرفت اجتماعی و اعتلای اسلامی باشد.

۳- مورد های وقف

امروزه - در نتیجه ی تحوّل در فرهنگ زندگی - موارد تازه و پر اجری برای وقف، اموال و املاک و... پدید آمده است که با توجه به آن می توان حق انتخاب خود را وسعت بخشید.

در این جا به برخی از مواردی که برای وقف کردن، سودمند و حیاتی است اشاره می شود:

۱. نشر فرهنگ عدالت گستر و زندگی ساز تشیع
۲. ایجاد بیمارستان های عمومی، تخصصی سیار و ثابت
۳. رساندن کمک هزینه به بیماران کم توان
۴. ایجاد تیمارستان - در جاهای لازم - با وضعی مناسب و هوایی سالم، به دور از آفات صوتی و مجرّز به امکانات.
۵. مبارزه با اعتیاد و کاشت مواد اعتیاد آور؛ و ترک دادن معتادان و نجات جامعه
۶. ایجاد کانون های فرهنگی جوانان، برای دختران و پسران (مناسب با شئون انسانی و اخلاق اسلامی ...)
۷. تأمین هزینه ازدواج و وسائل زندگی و خرید و ساختن خانه، برای ناتوانان

و کم توانان.

۸. ایجاد پرورشگاه، مهد کودک، کودکستان، با متصدیان و مربیان صلاحیت دار، با محوریت تربیت دینی.

۹. خرید اسباب بازی و اقلام فرهنگی، برای کودکان خانواده های تهی دست

۱۰. ساختن مجموعه های مجهز ورزشی

۱۱. بهبودبخشی جدی به وضع زندانیان و نشر فرهنگ اسلام میان آنان

۱۲. ... رسیدگی به وضع زندگی بازنشستگان و سالمندان

۱۳. سرمایه گذاری، برای مبارزه با پدیده تورّم و ریشه کن کردن علل و عوامل

آن

۱۴. هزینه سفرها و مسافرت های عبادتی، زیارتی و تفریحی برای افراد و خانواده های نیازمند.

۱۵. ساختن و ترمیم راه ها.

۱۶. هزینه سفرهای شناختی و پژوهشی - در آفاق گوناگون انسان شناختی و

جهان شناسی - برای عالمان و مبلغان دینی و طلباب علوم اسلامی، در

اطراف و اکناف جهان و در میان ملل و اقوام

۱۷. تأسیس کتابخانه های مجهز

۱۸. چاپ و پخش کتاب های مناسب

۱۹. ساختن دبستان، دبیرستان و مراکز علمی

۲۰. ایجاد آزمایشگاه های علمی، در رشته های گوناگون؛ و کوشش در

اختراعات پیشرفته و ابزارهای علمی

۲۱. ساختن پژوهشگاه هایی و جاهای تحقیقاتی؛ و تأمین زندگی محقق، و

تشویق اصل تحقیق

۲۲. ساختن خوابگاه های دانشجویی مناسب، در شهرهای دانشگاهی
۲۳. ایجاد باغ ها (و ویلاها) و جاهایی از هر جهت مناسب، برای تفریح و استراحت محققان و متفکران
۲۴. ایجاد باغ ها (و پارک ها و ویلاها - فضاهای سبز و نشاط آور)، برای استفاده رایگان خانواده های محروم و فراموش شده
۲۵. تأیید و گسترش هنر، و هنرمندان راستین و لایق، ایجاد سینما و تئاتر مفید، و تربیت فیلمنامه نویسان و نمایشنامه نویسان، فیلم سازان و کارگردانان معتقد، متفکر و مسئول و اسلامی، و ویژگی های مردان بزرگ و زنان بزرگ تاریخ اسلام، برای نوشتن بهترین فیلمنامه ها و نمایشنامه ها، که به ده ها زبان ترجمه گردد، و جهان درنوردد، و دل های انسان های سرزمین ها را زنده کند و این مرگ مستولی بر دل غالب اهل جهان را به «حیات» بدل سازد.
۲۶. سرمایه گذاری برای حفظ محیط زیست
۲۷. رفع فقر از محرومین و مستضعفین، در سطح جهانی^۱

۱. الحیة، ج ۶، ص ۱۷۷.